



تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

فصلنامه علمی پژوهشی آفاق حکمت

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴، ص ۲۱ تا ۳۵



تحلیل قضایای خارجی و حقیقه با تکیه بر دیدگاه امام خمینی (ره)

محمد عیدی شرف آبادی  دانش پژوه مقطع سطوح عالی حوزه علمیه قم

fekremotahhar@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تقسیم قضایا به «حقیقه» و «خارجیه» که خاستگاهی منطقی دارد، پس از ورود به علم اصول فقه در دوره متأخرین (از زمان شیخ مرتضی انصاری به بعد)، به یکی از مباحث مبنایی تبدیل شد. بر اساس دیدگاه مشهور در مکتب نجف، که توسط محقق نائینی (ره) تبیین گردید، متعلق احکام شرعی، قضایای حقیقه هستند. این دیدگاه، با وجود برخی اشکالات منطقی که از سوی اندیشمندان چون شهید مطهری مطرح شد، همچنان در نتیجه‌گیری اصولی پابرجا ماند. پژوهش حاضر با هدف تبیین دقیق مبانی امام خمینی (ره) در این مسئله، به تحلیل و بررسی دیدگاه‌های ایشان می‌پردازد. این مقاله ضمن اشاره به سیر تاریخی بحث و دیدگاه مشهور اصولی، نظریه امام خمینی (ره) را به صورت جامع تحلیل کرده، تعارض‌های ظاهری موجود در برخی عبارات ایشان را برطرف می‌سازد و در نهایت، با ارائه تحلیلی تطبیقی، وجوه تمایز و اشتراک نظریه ایشان با مکتب محقق نائینی (ره) را روشن می‌سازد.

کلیدواژگان: قضیه حقیقه، قضیه خارجی، قضیه کالحقیقه، اصول فقه، محقق نائینی، امام خمینی (ره).

۱. مقدمه

بحث «قضایای حقیقیه و خارجی» از جمله مباحث دقیق و تأثیرگذاری است که هرچند در بستر علم منطق متولد شد، اما با ورود به اصول فقه، نقشی بنیادین در تحلیل ماهیت احکام شرعی ایفا کرد. منطقین قضیه را به «مركب تام خبری» تعریف کرده و بر اساس موضوع آن، به اقسامی چون خارجی (ناظر به افراد محقق‌الوجود در خارج) و حقیقیه (ناظر به نفس الامر و حقیقت موضوع، اعم از وجود خارجی) تقسیم کرده‌اند.

ورود این تفکیک به ادبیات اصولی، که به دوران شیخ انصاری (ره) بازمی‌گردد و در آثار اصولیون پس از او همچون آخوند خراسانی و به‌ویژه محقق نائینی به اوج شکوفایی رسید، از یک ضرورت علمی نشأت می‌گرفت؛ اصولیان دریافته‌اند که ریشه بسیاری از اختلافات و مشکلات نظری، در خلط میان این دو نوع قضیه نهفته است. اهمیت این بحث از آن روست که تأثیری مستقیم بر مسائل کلیدی علم اصول، از جمله تحلیل «متعلق اوامر و نواهی»، «ماهیت وضع»، «رابطه طلب و اراده» و «مراتب حکم» دارد و از این جهت، جایگاهی ویژه در میان مباحث اصولی متأخرین یافته است.

۱.۱. پیشینه پژوهش

در باب قضایای حقیقیه و خارجی، پژوهش‌های ارزشمندی در قالب کتاب و مقاله به انجام رسیده است. مقالاتی همچون «قضیه حقیقیه و خارجی و کاربرد آن در علم اصول فقه» (امیرزاده جیرکلی)، «نقش قضیه حقیقیه در اصول فقه» (میرقصیری)، «درنگی در تعریفی دیگر از قضیه خارجی و حقیقیه» (نویی)، «تطور تاریخی قضایای ثلاث» (فرامرزی قراملکی و عبادی) و «تأملی اکتشافی در چیستی قضایای خارجی و حقیقیه و ذهنیه» (اردستانی)، هر یک از زاویه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند. در میان آثار مکتوب، کتاب «قضایای حقیقیه و خارجی در آینه منطق و اصول فقه» اثر استاد محمدجواد فاضل لنکرانی، تحقیقی جامع است که ابعاد منطقی و اصولی بحث را به نیکی کاویده و در کنار تبیین دیدگاه مشهور، به نظرات امام خمینی (ره) نیز اشاره کرده است.

۱.۲. طرح مسئله و وجه تمایز پژوهش

با وجود پژوهش‌های مذکور، بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده تحقیقات یا بر جنبه منطقی بحث متمرکز بوده‌اند یا در تحلیل اصولی، به تبیین دیدگاه مشهور (مکتب محقق نائینی) اکتفا کرده‌اند. اگرچه در برخی آثار به دیدگاه امام خمینی (ره) اشاراتی شده، اما تحلیل جامع، منسجم و دقیقی که بتواند تمامی ابعاد نظریه ایشان را روشن ساخته و تعارضات ظاهری در عباراتشان را حل نماید، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مقاله حاضر در صدد است تا این خلأ پژوهشی را پر کند. وجه تمایز این تحقیق با آثار پیشین در چند محور قابل بیان است:

۱. ارائه تحلیلی جامع از نظریه امام خمینی (ره): این مقاله صرفاً به نقل دیدگاه ایشان بسنده نکرده، بلکه مبانی و لوازم آن را به تفصیل می‌کاود.
 ۲. حل تعارضات ظاهری: با دسته‌بندی و تعیین جایگاه دقیق عبارات مختلف امام (ره)، موارد اختلاف ظاهری در کلام ایشان تحلیل و مرتفع می‌گردد.
 ۳. تحلیل تطبیقی: این پژوهش به مقایسه‌ای دقیق میان مبانی محقق نائینی (ره) به عنوان نماینده مکتب نجف و دیدگاه امام خمینی (ره) می‌پردازد و نقاط اشتراک و افتراق این دو نظریه را به روشنی نشان می‌دهد.
- هدف نهایی، دستیابی به فهمی عمیق و منسجم از تحول این نظریه در دو مکتب اصولی نجف و قم و روشن ساختن نوآوری‌های امام خمینی (ره) در این زمینه است.

۲. تبیین ماهیت قضیه در منطق

پیش از ورود به بحث تخصصی «قضایای حقیقه و خارجی» در علم اصول، ضروری است ابتدا ماهیت «قضیه» به عنوان مدخل اصلی این بحث، بر اساس مبانی علم منطق به دقت تبیین گردد.

۲.۱. معنای لغوی و اصطلاحی قضیه

واژه «قضیه» در زبان عربی، مصدر یا اسم مصدر از ریشه «قضی» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۸۶؛ محمدی خراسانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲۳). معنای محوری آن «حکم کردن» است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۸۵)؛ زیرا در یک قضیه منطقی، به ثبوت محمولی برای موضوع یا سلب آن از موضوع، حکم می‌شود (محمدی خراسانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲۳). راغب اصفهانی نیز آن را سخنی می‌داند که به واسطه آن، گوینده به صورت قطعی از وجود یا عدم امری خبر می‌دهد و از همین رو به «صادقه» یا «کاذبه» متصف می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷۶).

در اصطلاح منطق، تعریف مشهور قضیه عبارت است از:

«قَوْلٌ يَحْتَمِلُ الصِّدْقَ وَالْكَذْبَ»؛ یعنی قضیه، قولی (گفتاری) است که قابلیت اتصاف به صدق و کذب را داشته باشد (محمدی خراسانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲۳).

۲.۲. تحلیل ارکان تعریف مشهور

برای فهم دقیق این تعریف، تحلیل اجزای آن ضروری است:

۱. «قول»: مراد از «قول» در عرف منطقیون، صرفاً لفظ نیست، بلکه هر «مركب» معناداری را شامل می‌شود، خواه ملفوظ باشد یا معقول (در ذهن). بنابراین، تعریف مذکور هم قضایای ملفوظه و هم قضایای معقوله را در بر می‌گیرد (یزدی، ۱۳۹۰، ص ۹۴).
۲. «يَحْتَمِلُ الصِّدْقَ وَالْكَذِبَ»: این قید، وجه تمایز قضیه از سایر اقوال و مرکبات است. همان‌طور که شهید مطهری به تفصیل بیان کرده‌اند، «قول» (لفظ معنادار) به دو قسم مفرد و مركب تقسیم می‌شود. مركب نیز به دو قسم تام (جمله‌ای که معنای کاملی را افاده می‌کند و سکوت بر آن صحیح است) و ناقص (کلام ناتمام) تقسیم می‌گردد. مركب تام خود بر دو نوع است: خبری و انشائی.

 - مركب تام خبری: از واقعیتی در خارج حکایت می‌کند و به همین دلیل، مطابقت یا عدم مطابقت آن با واقع، معنادار است. اگر مطابق با واقع باشد، «صادق» و اگر نباشد، «کاذب» است.
 - مركب تام انشائی: مانند امر، نهی و استفهام، از واقعیتی خبر نمی‌دهد، بلکه خود، معنایی را در عالم اعتبار ایجاد می‌کند. از این رو، اتصاف آن به صدق و کذب بی‌معناست.

بر این اساس، «قضیه» در اصطلاح منطق، دقیقاً همان «قول مركب تام خبری» است و قید «احتمال صدق و کذب»، سایر اقسام (مفردات، مرکبات ناقص و مرکبات تام انشائی) را از دایره تعریف خارج می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۵، صص ۶۵-۶۶). علامه حلی نیز در القواعد الجلیة بر همین نکته تأکید دارد (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۲).

۲.۳. تکمیل تعریف و افزودن قید «لذاته»

برخی از منطقیون متأخر، از جمله علامه محمدرضا مظفر، برای افزایش دقت تعریف مشهور، قید «لذاته» را به آن افزوده‌اند. این قید پیش‌تر در کلام علامه حلی در الجوهر النضید نیز آمده است (علامه حلی، ۱۳۶۳، ص ۳۷). تعریف کامل‌شده چنین است:

«القضية هي المركب التام الذي يصح أن نصفه بالصدق أو الكذب لذاته»؛ قضیه، مركب تامی است که ذاتاً (به‌خودی‌خود) قابلیت اتصاف به صدق و کذب را دارد (مظفر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴۹).

فایده این قید، رفع یک شبهه مهم است. گاهی برخی جملات انشائی (مانند استفهام، تمنی و طلب) در ظاهر به صدق و کذب متصف می‌شوند. برای مثال، اگر کسی که از موضوعی آگاه است، درباره آن سؤال کند، به او گفته

می‌شود: «دروغ می‌گویی». این توهم را ایجاد می‌کند که تعریف خبر (قضیه) مانع اغیار نیست.

پاسخ این است که صدق و کذب در این موارد، متوجه مدلول مطابقی و ذاتی آن جمله انشائی نیست، بلکه ناظر به مدلول التزامی و معنای تبعی آن است. جمله استفهامی، بالمطابقه برای «پرسش» وضع شده، اما بالالتزام بر «جهل» گوینده دلالت دارد. آنچه تکذیب می‌شود، این جهل ادعایی است، نه خود عمل پرسش. قید «لذاته» روشن می‌سازد که قضیه، قولی است که مدلول مطابقی و معنای اصلی‌اش قابلیت صدق و کذب را دارد، نه معنای التزامی و حاشیه‌ای آن. این قید، تعریف را دقیق‌تر کرده و آن را از شمول موارد انشائی مصون می‌دارد (محمدی خراسانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲۶).

۴.۲. پاسخ به شبهه دور

اشکالی که بر تعریف مشهور وارد شده، «شبهه دور» است. تقریر اشکال چنین است:

۱. «قضیه» با «صدق و کذب» تعریف شده است.
۲. «صدق» به «خبر مطابق با واقع» و «کذب» به «خبر غیر مطابق با واقع» تعریف می‌شود.
۳. واژه «خبر» مترادف «قضیه» است (سبزواری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۳۹).
۴. بنابراین، شناخت قضیه متوقف بر شناخت صدق و کذب، و شناخت صدق و کذب متوقف بر شناخت قضیه (خبر) است و این دور نام دارد.

ملا عبدالله یزدی در حاشیه به این اشکال پاسخ داده است که شناخت مفهوم «مطابقت با واقع» و «عدم مطابقت با واقع» متوقف بر شناخت اصطلاحی «خبر» یا «قضیه» نیست. این دو مفهوم، از معانی بدیهی یا قریب به بدیهی هستند که فهم آن‌ها نیازمند تعریف منطقی خبر نیست و از این رو، دوری لازم نمی‌آید (یزدی، ۱۳۹۰، ص ۹۵).

۳. تمایز کاربرد اصطلاح «قضیه» در علم اصول

اصطلاح «قضیه» در علم اصول فقه، کاربرستی متمایز از معنای منطقی آن می‌یابد. در حالی که قضیه در منطق منحصرأ به «مرکب تام خبری» اطلاق می‌شود، در علم اصول با نوعی تسامح مفهومی، بر موضوع اصلی این علم یعنی «حکم شرعی» اطلاق می‌گردد. از آنجا که احکام شرعی (مانند وجوب و حرمت) ماهیتاً از سنخ «انشاء» هستند و نه «خبر»، می‌توان گفت مراد از قضیه در گفتمان اصولی، همان مرکب تام انشائی است که شارع به واسطه آن، تکلیفی را جعل می‌کند. این تغییر در کانون توجه، از ماهیت گزاره‌های خبری به ماهیت احکام تکلیمی، نقطه آغاز ورود مباحث منطقی به ساحت اصول فقه است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۵، ص ۴۶).

۴. اقسام قضیه در منطق: زمینه‌ساز بحث اصولی

منطقیون قضایا را به اعتبارات گوناگون تقسیم کرده‌اند. از آنجا که تقسیم به «حقیقه» و «خارجیه» در بستر این تقسیمات شکل می‌گیرد، اشاره به آن‌ها ضروری است.

۴.۱. تقسیم اولیه: حملیه و شرطیه

بنیادی‌ترین تقسیم قضیه بر اساس «نسبت حکمیه» است که آن را به دو قسم اصلی تقسیم می‌کند:

- قضیه حملیه: در آن، ثبوت محمولی برای موضوع (یا سلب آن) حکم می‌شود. ساختار آن شامل موضوع، محمول و نسبت حکمیه است (مانند: «انسان ناطق است»).
- قضیه شرطیه: در آن، حکم به وجود یک نسبت میان دو قضیه کامل صورت می‌گیرد، نه میان موضوع و محمول مفرد (مانند: «اگر خورشید طلوع کند، روز موجود است» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۵، صص ۶۸-۷۰).

۴.۲. تقسیم قضیه حملیه بر اساس موضوع

از آنجا که بحث ما به قضایای حملیه بازمی‌گردد، تقسیمات آن بر اساس نوع موضوع اهمیت می‌یابد:

۱. شخصی: موضوع آن یک جزئی حقیقی و فردی معین است. مانند: «افلاطون حکیم است». این قضایا در علوم برهانی کاربرد ندارند (همان، صص ۷۲-۷۳).
۲. طبیعی: موضوع آن یک کلی است، اما حکم بر خود «طبیعت» و ماهیت کلی، بدون در نظر گرفتن افراد آن، بار می‌شود. مانند: «الانسان نوع».
۳. مهمله: موضوع آن کلی است و حکم نیز ناظر به افراد آن است، اما کمیت افراد (اینکه همه افراد مرادند یا بعضی از آن‌ها) مشخص نشده است. مانند: «الانسان فی خُسْر».
۴. محصوره (مُسَوَّرَه): موضوع آن کلی و حکم ناظر به افراد است، با این تفاوت که کمیت افراد با استفاده از «سور» (مانند کل، بعض) مشخص شده است. این قضایا پایه استدلال‌های علمی را تشکیل می‌دهند (مظفر، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۱۵۴-۱۵۵).

۴.۳. تقسیم نهایی محصورات: ذهنیه، خارجیه و حقیقه

مهم‌ترین تقسیم‌بندی که مستقیماً به بحث ما مربوط می‌شود، تقسیم قضایای محصوره بر اساس نحوه وجود موضوع

است:

- قضیه ذهنیه: موضوع آن صرفاً در ذهن موجود است. مانند: «کُلُّ اجتماعِ النقيضين محالٌ».
- قضیه خارجی: حکم در آن بر افراد محقق الوجود در خارج (در یکی از زمان‌های سه‌گانه) بار می‌شود. مانند: «کُلُّ جندى فى المعسكرِ مُدَرَّبٌ» (همهٔ سربازان حاضر در این اردوگاه، آموزش دیده‌اند). در اینجا حکم فقط شامل سربازانی می‌شود که بالفعل در آن مکان حضور دارند.
- قضیه حقیقه: حکم در آن بر افراد موضوع، اعم از افراد محقق الوجود و مقدّر الوجود، بار می‌شود. به عبارت دیگر، حکم بر نفس الامر و طبیعت موضوع تعلق می‌گیرد، به گونه‌ای که هر فردی که در آینده مصداق آن موضوع قرار گیرد، مشمول حکم خواهد بود. مانند: «کُلُّ إنسانٍ قابلٌ للتعلُّم» (هر انسانی قابلیت یادگیری دارد). این حکم شامل انسان‌های گذشته، حال و آینده می‌شود (همان، ص ۱۶۳).

۵. ورود و تبیین قضایای حقیقه و خارجی در علم اصول

۵.۱. سیر تاریخی

هرچند اولین استفاده از اصطلاح «قضیه حقیقه و خارجی» در فقه به وحید بهبهانی (ره) در حاشیه الوافی بازمی‌گردد (بهبهانی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۶)، اما ورود نظام‌مند آن به علم اصول و تبدیل آن به یک بحث مبنایی، از زمان شیخ مرتضی انصاری (ره) آغاز شد و در آثار آخوند خراسانی و به‌ویژه محقق نائینی (ره) به اوج رسید. علت این توجه، پی بردن اصولیان به این نکته بود که ریشه بسیاری از مناقشات علمی، خلط میان این دو نوع قضیه است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۵، صص ۸۷-۸۸).

۵.۲. تعریف محقق نائینی (ره) و مبنای اصولی

محقق نائینی (ره) به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه، معتقد است که تمامی احکام شرعی، بر سیاق قضایای حقیقه جعل شده‌اند. ایشان در تبیین ماهیت قضیه حقیقه، آن را به یک قضیه شرطیه بازمی‌گرداند که مقدم آن «فرض وجود موضوع» و تالی آن «ثبوت حکم برای آن» است (غروی نائینی، بی‌تا، ج ۱، صص ۴۲۸-۴۲۹). برای مثال، قضیه «الخمر حرام» به این معناست: «إِنْ وُجِدَ شَيْءٌ فِي الْخَارِجِ وَكَانَ مُصْداقاً لِلْخَمْرِ، فَهُوَ حَرَامٌ». این تحلیل، شباهت بسیاری با دیدگاه ملاهادی سبزواری در منطق دارد که او نیز قضیه حقیقه را متضمن معنای شرط می‌داند (سبزواری، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۴۸).

در مقابل، قضیه خارجی از منظر ایشان، یا قضیه‌ای شخصی است (مانند: «یا زیدُ أكرمُ عمراً») یا حکمی است

که متوجه افراد پراکنده و بدون یک عنوان جامع کلی می‌شود (مانند: «أُقْتُلَ مَنْ فِي الْمَعْسَكِ») (غروی نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۷۶).

۵.۳. نقد شهید مطهری (ره) بر تعریف اصولی

استاد شهید مطهری (ره) با تکیه بر مبانی منطقی ابن سینا، برداشتی را که محقق نائینی و مشهور اصولیون از قضیه حقیقه ارائه داده‌اند، به چالش می‌کشد (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۹، صص ۲۵۲-۲۵۴).

توضیح اشکال ایشان، آن‌گونه که استاد عبدالکریم فرحانی تبیین کرده‌اند، به این صورت است:

- قضیه حقیقه (از منظر ابن سینا): قضیه‌ای است که در آن، محمول برای ذات و طبیعت موضوع، بدون هیچ قید و شرطی (حتی شرط وجود)، ثابت است. حکم، مقتضای ذات موضوع است. مانند: «الماهیه ممکنه» (ماهیت، ممکن است). امکان، لازمه ذات ماهیت است، نه لازمه ماهیت موجود.
- قضیه خارجی (از منظر ابن سینا): قضیه‌ای است که در آن، حکم برای موضوع، به شرط تحقق و وجود خارجی آن، ثابت است.

بر اساس این تفکیک دقیق سینوی، آنچه محقق نائینی و مشهور اصولیون «قضیه حقیقه» می‌نامند (که حکم را مشروط به وجود موضوع می‌دانند)، در واقع مصداق «قضیه خارجی» در منطق ابن سینا است. این نقد منطقی، هرچند ممکن است نتیجه نهایی در علم اصول را تغییر ندهد، اما نشان‌دهنده یک جابجایی یا تسامح اصطلاحی در انتقال این مفهوم از منطق به اصول فقه است (فرحانی، ۱۳۹۶، جلسه ۷۲).

۵.۲.۲. پاسخ به نقد شهید مطهری (ره)

هرچند نقد استاد مطهری (ره) از منظر منطق سینوی کاملاً دقیق است، اما می‌توان آن را در چارچوب علم اصول، یک «نزاع لفظی» تلقی کرد. به بیان دیگر، این اشکال تأثیری بر نتایج و مباحث ثانویه در علم اصول ندارد. مشهور اصولیون، از جمله محقق نائینی (ره)، اصطلاح «قضیه حقیقه» را با تسامح و در معنایی خاص به کار برده‌اند که عبارت است از قضیه‌ای که حکم آن بر موضوع، به شرط وجود آن در خارج، بار می‌شود. از آنجا که این اصطلاح در فضای گفتمان اصولی تثبیت شده، این جابجایی مفهومی، خللی در استدلال‌های بعدی ایجاد نمی‌کند.

با توجه به اینکه مبانی امام خمینی (ره) در این حوزه، تحلیلی متفاوت و عمیق‌تر ارائه می‌دهد، در ادامه به بررسی دیدگاه ایشان در باب قضایای حقیقه و خارجی می‌پردازیم.

۵.۳. دیدگاه امام خمینی (ره) در باب قضایای حقیقه و خارجیه

امام خمینی (ره) نیز همچون استاد مطهری، مباحث رایج ذیل این عنوان را خالی از اشکال نمی‌دانند و با رویکردی نوبه تحلیل آن پرداخته‌اند. دیدگاه ایشان را می‌توان در دو سطح یا دو رویکرد مجزا بررسی کرد:

- رویکرد اول: تبیین و نقد در چارچوب نظر مشهور اصولیون، که در آن قضایای فقهی و اصولی را «حقیقه» یا «کالحقیقه» (شبیه به حقیقه) می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۱۲-۱۳).
- رویکرد دوم: ارائه نظریه اختصاصی ایشان، یعنی «خطابات قانونیه»، که بر اساس آن، احکام شرعی اساساً در قالب قضایای حقیقه یا خارجیه قرار نمی‌گیرند (همان، ص ۴۳۷).

۵.۳.۱. رویکرد اول: تفکیک میان «حقیقه» و «کالحقیقه»

امام خمینی (ره) در مواجهه با دیدگاه مشهور، بیان می‌دارند که غالب قضایای علوم برهانی مانند فقه و اصول، «حقیقه» یا «کالحقیقه» هستند. ایشان میان این دو تمایز قائل می‌شوند:

- در قضیه حقیقه، تحلیل بر محور موضوع حکم (مانند «المکلف») صورت می‌گیرد.
- در قضیه کالحقیقه، تحلیل بر محور متعلق حکم (مانند «الصلاة») متمرکز است.

برای مثال، در تکلیف «صَلِّ» (نماز بخوان)، تحلیلی که موضوع را «المکلف» قرار می‌دهد (المکلفُ یجبُ علیه الصلاة)، تحلیلی بر سیاق قضیه حقیقه است. اما تحلیلی که متعلق یعنی «الصلاة» را محور قرار می‌دهد، به حوزه قضیه کالحقیقه وارد می‌شود (فرحانی، ۱۳۹۶، جلسه ۸۰).

استاد عبدالکریم فرحانی با تحلیل عبارات کتاب تهذیب الأصول، این دیدگاه امام خمینی (ره) را این‌گونه تبیین می‌کند که احکامی مانند «الصلاة واجبة» یا «الخمر حرام» نمی‌توانند حقیقه یا خارجیه محض باشند.

۱. چرا قضیه حقیقه نیست؟ زیرا در قضیه حقیقه (به معنای دقیق منطقی)، حکم بر «ماهیت بما هی هی» بار می‌شود. اما ماهیت از آن حیث که ماهیت است (من حیث هی)، نه مطلوب است و نه مبعوض (لا مطلوبة ولا غیر مطلوبة). بنابراین، وجوب یا حرمت نمی‌تواند بر خود ماهیت تعلق گیرد.

«و القولُ بكونِ الماهيةِ معروضةً لها مدفوعٌ بأنَّ الوجدانَ حاکمٌ علی عدمِ كونها مطلوبةً.» (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۴).

۲. چرا قضیه خارجیه نیست؟ زیرا در قضیه خارجیه، حکم بر «ماهیت به شرط وجود خارجی» تعلق می‌گیرد. این نیز محال است؛ زیرا وجود خارجی، ظرف سقوط تکلیف (امثال) است، نه ظرف ثبوت تکلیف (عروض حکم).

«ثانياً. إذ الصلاة بوجودها الخارجی لا تكادُ تتَّصَفُ بالوجوب؛ لأنَّ الخارجَ -أعني إتيان المأمور به- ظرفُ السقوطِ بوجهٍ لا العروضِ.» (همان).

نتیجه‌گیری و تعریف «کالحقیقه»:

از آنجا که حکم نه به ماهیت محض و نه به وجود خارجی آن تعلق می‌گیرد، امام خمینی (ره) معتقدند موضوع وجوب، «ایجاد» آن ماهیت است. ایشان در عبارتی دقیق بیان می‌کنند:

«شارع نَظَرَ الى الماهية و بَعَثَ الى ايجادها.» (همان).

یعنی شارع به ماهیت نظر کرده، اما امر (بعث) او به «ایجاد کردن» آن ماهیت تعلق گرفته است تا آن ماهیت در خارج «وجود یابد» (لتوجد). این همان تعریف قضیه کالحقیقه است: حکمی که در آن، شارع به ماهیت نظر می‌کند، اما طلب او به ایجاد آن ماهیت در خارج معطوف است (فرحانی، ۱۳۹۶، جلسه ۷۹). ریشه این تحلیل دقیق را می‌توان در عبارات آخوند خراسانی (ره) نیز یافت (همان، جلسه ۷۶).

بنابراین، در رویکرد اول، امام خمینی (ره) ضمن پذیرش کلیت چارچوب مشهور، با تفکیک میان حقیقه و کالحقیقه، نشان می‌دهند که احکام شرعی عمدتاً از قسم دوم هستند.

۵.۳.۲. رویکرد دوم: نظریه «خطابات قانونیه»

این رویکرد، نظریه مبنايي و خاص امام خمینی (ره) است که بر اساس آن، احکام شرعی در قالب «خطابات قانونیه» ابلاغ می‌شوند.

تعریف خطاب قانونی: هر حکم شرعی، یک «کلی قانونی» و یک خطاب واحد است که به «عامه مکلفین» تعلق می‌گیرد. در اینجا، تعدد و تکرار در ناحیه مکلفین (متعلق حکم) است، نه در ناحیه خود خطاب (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۳۷).

تفاوت بنیادین با قضیه حقیقه:

تفاوت اساسی این نظریه با قضیه حقیقه (در تعریف مشهور اصولی) در این است:

- در قضیه حقیقه: عنوان کلی (مانند «المستطيع»)، یک «مرآت» (آینه) و معبر برای رسیدن به افراد (چه افراد موجود و چه مقدّر الوجود) است. لذا افراد، هرچند به صورت ثانوی و بالعرض، در خطاب لحاظ می‌شوند.
- در خطاب قانونی: عنوان کلی، خود موضوع حکم است و به هیچ وجه مرآت و مشیر به افراد نیست. قانون‌گذار (شارع) در مرحله جعل، اساساً به افراد توجهی ندارد (فاضل لنکرانی، محمدجواد، ۱۳۹۹، صص ۹۸-۱۰۰).

ثمره و اثر عملی:

این تفاوت نظری، آثار مهمی دارد. اگر قائل به قضیه حقیقه باشیم، چون افراد (ثانیاً و بالعرض) ملحوظ هستند، باید شرایط عمومی تکلیف (مانند قدرت، علم و قابلیت انبعاث) را داشته باشند. اما طبق مبنای خطابات قانونی، چون افراد در مرحله جعل حکم اصلاً لحاظ نشده‌اند، این شرایط در آن مرحله مطرح نیست. قانون به عنوان یک معیار کلی جعل می‌شود و بر هر فردی که مصداق آن عنوان کلی باشد، منطبق می‌گردد، بدون آنکه آن فرد در مرحله جعل، مدنظر بوده باشد (همان).

جمع‌بندی رویکرد دوم: بنابر این نظریه، جعل احکام شرعی نه به صورت قضیه حقیقه است و نه خارجیه، بلکه در قالب خطابات قانونی صورت می‌گیرد که ساختاری متفاوت دارد.

۵.۴. برخی از آثار و ثمرات اصولی بحث

تبیین تمام کاربردهای این بحث از گنجایش این مقاله خارج است و نیازمند پژوهشی مستقل است. در اینجا صرفاً برای نشان دادن تأثیر این مبانی، به یک مسئله اصولی مشهور از دیدگاه محقق نائینی (ره) و امام خمینی (ره) اشاره می‌شود.

۵.۴.۱. مسئله «جواز امر با علم او به انتفاء شرط»

آیا برای امر جایز است حکمی را صادر کند در حالی که می‌داند شرط تحقق آن حکم هرگز محقق نخواهد شد؟

۵.۴.۱.۱. دیدگاه محقق نائینی (ره)

از نظر ایشان، این نزاع اصولی از اساس باطل و ناشی از خلط میان قضیه حقیقه و خارجیه است.

- استدلال: قضایای شرعیه بر سیاق قضایای حقیقه جعل می‌شوند. قضیه حقیقه نیز به یک قضیه شرطیه بازمی‌گردد: «اگر شرط (موضوع) محقق شود، حکم ثابت است». در چنین ساختاری، «علم آمر» به تحقق یا عدم تحقق شرط، هیچ نقشی در صحت جعل ندارد.
- مثال: حکم «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»، به قضیه حقیقه «المستطيع يجب عليه الحج» بازمی‌گردد که معنای آن این است: «اگر فردی مصداق مستطیع یافت شود، حج بر او واجب است». تکلیف متوجه کسی که شرط را ندارد، نمی‌شود تا بحث از علم آمر به انتفاء شرط پیش آید. فعلیت تکلیف بدون موضوع، تحقق معلول بدون علت است.

- نتیجه: بنابراین، نزاع «جواز امر آمر مع علمه بانتفاء الشرط» در دایره قضایای حقیقه بی معناست. این بحث تنها در قضایای خارجیه (که حکم متوجه افراد معین خارجی است) ممکن است مطرح شود، زیرا در آنجا علم آمر به شرایط فرد، می تواند مدخلیت داشته باشد (غروی نائینی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۲۵).

۵. ۴. ۱. ۲. دیدگاه امام خمینی (ره)

بر خلاف محقق نائینی، امام خمینی (ره) این مسئله را نه در چارچوب تمایز میان قضایای حقیقه و خارجیه، بلکه بر اساس مبنای اختصاصی خود، یعنی «خطابات قانونیه»، تحلیل می کنند. ایشان میان دو نوع خطاب تمایز قائل می شوند:

۱. خطاب شخصی: در خطابات شخصی، تکلیف فردی که آمر به عجز او علم دارد، مصداق بارز «تکلیف به محال» و امری قبیح است. برای مثال، مولایی که می داند عبدش توانایی حرکت ندارد، عقلاً نمی تواند او را با خطاب شخصی امر کند که «به بازار برو و گوشت بخر».
۲. خطاب عام قانونی: اما در خطابات عامه قانونیه، ماهیت حکم متفاوت است. در اینجا، یک خطاب واحد و کلی وجود دارد که همه افراد را شامل می شود، بدون آنکه به تک تک آن ها به صورت مجزا توجه شود. این خطاب به افراد متعدد منحل نمی شود. بنابراین، اگر مولا به همه بندگان خود با یک خطاب واحد بگوید «فردا همه باید به سفر بروید»، این امر صحیح است، حتی اگر بداند برخی از آنان قادر به سفر نیستند. در این حالت، خطاب شامل همه می شود، اما افراد عاجز یا جاهل در مقام امتثال، معذور خواهند بود. البته این در صورتی است که اکثریت افراد، قادر به انجام تکلیف باشند (فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۱۳۸؛ به نقل از خمینی، ۱۳۷۳، ج ۲، صص ۶۰-۶۱ و خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۳۳۸-۳۳۹).

ریشه این تفاوت دیدگاه در این مبنا نهفته است:

- از نظر محقق نائینی، در قضیه حقیقه، عنوان کلی، «مرآت» و مشیر به افراد (محققه و مقدره) است. لذا نمی توان تکلیفی را جعل کرد که شرط آن برای فردی محقق نیست.
- از نظر امام خمینی (ره)، در خطاب قانونی، عنوان کلی خود موضوع است و اصلاً «مشیر به افراد» نیست. لذا علم آمر به عدم تحقق شرط در مورد برخی افراد، مانع از جعل قانون کلی نمی شود.

۵. ۴. ۲. بحث استصحاب احکام شرایع سابقه

یکی دیگر از ثمرات این بحث، در مسئله «استصحاب احکام شرایع سابقه» آشکار می شود.

- دیدگاه محقق نائینی (ره): ایشان استصحاب احکام شرایع پیشین را جایز می‌دانند. استدلال ایشان این است که احکام شرعی، از جمله احکام ادیان گذشته، بر سیاق قضایای حقیقه جعل شده‌اند. ماهیت قضیه حقیقه، فرازمانی و فرامکانی است و مختص به افراد یا زمان خاصی نیست. کسانی که این استصحاب را انکار می‌کنند، دچار این خلط شده‌اند که آن احکام را قضایای خارجیه و مختص به همان امت پنداشته‌اند، در حالی که همه احکام الهی، حقیقه هستند.
- دیدگاه امام خمینی (ره): در مقابل، امام خمینی (ره) جریان استصحاب در احکام شرایع پیشین را صحیح نمی‌داند. جالب آنکه ایشان این بحث را در چارچوب رویکرد اول خود (پذیرش قضایای حقیقه در فضای مشهور) مطرح می‌کنند، اما به نتیجه‌ای متفاوت می‌رسند. استدلال ایشان بر این مبنا استوار است که شک در بقای چنین حکمی، از نوع «شک در مقتضی» است، نه «شک در رافع». به عبارت دیگر، ما شک داریم که آیا آن حکم از ابتدا برای استمرار و شمول امت‌های بعدی جعل شده است یا خیر. وقتی اساسی قابلیت استمرار حکم مورد تردید باشد، نمی‌توان بقای آن را استصحاب کرد (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۶).

۶. نتیجه‌گیری

تحلیل‌های ارائه شده در این مقاله نشان می‌دهد که در تبیین ماهیت احکام شرعی، دو مبنای نظری متمایز در میان اصولیون متأخر وجود دارد. رویکرد مشهور، که محقق نائینی (ره) برجسته‌ترین نماینده آن است، احکام شرعی را بر سیاق قضایای حقیقه تفسیر می‌کند؛ قضایایی که در آن، حکم بر یک عنوان کلی به عنوان «مرآت» و نماینده افراد محقق الوجود و مقدار الوجود، بار می‌شود. در مقابل، امام خمینی (ره) با ارائه نظریه «خطابات قانونیه»، چارچوبی متفاوت ارائه می‌دهند که در آن، حکم به خود عنوان کلی تعلق می‌گیرد، بدون آنکه افراد در مرحله جعل، لحاظ شوند. افزون بر این، حتی در رویکرد نخست ایشان که در فضای گفتمان مشهور مطرح شده، با تفکیک میان «حقیقه» و «کالحقیقه» و تحلیل دقیق نحوه تعلق حکم به «ایجاد ماهیت»، نشان می‌دهند که اطلاق عنوان «قضیه حقیقه» بر احکام شرعی با تسامح همراه است. چنانکه اشاره شد، برخی شارحان (مانند استاد فرحانی) معتقدند دیدگاه نهایی امام خمینی (ره) در چارچوب نظر مشهور، انحصار احکام در «قضایای کالحقیقه» است. این تفاوت‌های مبنایی، همان‌گونه که در مسائلی چون «امر آمر با علم به انتفاء شرط» و «استصحاب شرایع سابقه» مشاهده شد، به نتایج و ثمرات فقهی و اصولی متفاوتی منجر می‌شود.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نرم افزار لغت نامه نور
۲. بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۴۲۶ ه ق). حاشیه الوافی (چاپ اول). قم: نشر موسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
۳. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (۱۳۶۳ ه ش). الجوهر النضید و رساله التصور و التصدیق (چاپ: اول). قم: نشر بیدار.
۴. ----- (۱۴۱۴ ه ق). القواعد الجلیه فی شرح الرسالة الشمسیه (چاپ اول). قم: ناشر: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، موسسه النشر الاسلامی.
۵. خلیل بن احمد، نرم افزار لغت نامه نور. العین.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، نرم افزار لغت نامه نور، مفردات الفاظ قرآن
۷. سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۶۹ ه ش). شرح منظومه با تعلیقات حسن زاده آملی حسن (چاپ اول). تهران: نشر ناب.
۸. صفر نژاد، امین (۱۳۹۸). مقاله قضایای شرعی، حقیقه یا خارجیه ص ۴، مدرسه فقهی الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام.
۹. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۱ ه ش). اصول فقه شیعه (چاپ اول). قم: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار (علیه السلام).
۱۰. فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۹ ه ش). خطابات قانونیه تقریر و تحقیق مهدی اعلائی (چاپ اول). قم: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار (علیه السلام).
۱۱. -----، محمد جواد (۱۳۹۵ ه ش). قضایای حقیقه و خارجیه در آیین منطوق و اصول فقه (چاپ اول). قم: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار (علیه السلام).
۱۲. فرحانی، عبدالکریم، درس خارج اصول فقه، سال تحصیلی ۱۳۹۶ ش.
۱۳. محمدی خراسانی، علی (۱۳۸۵ ه ش). شرح منطوق مظفر (چاپ چهارم). قم: نشر الامام الحسن بن علی (علیه السلام).
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ ه ش). مجموعه آثار استاد شهید مطهری جلد ۵ کلیات علوم اسلامی منطوق و فلسفه (چاپ چهاردهم). تهران: انتشارات صدرا.

۱۵. -----، (۱۳۹۳ ه. ش). مجموعه آثار استاد شهید مطهری جلد ۹ شرح مبسوط منظومه ۱ (چاپ شانزدهم). تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. المظفر، الشیخ محمد رضا (۱۳۸۵ ه. ش). المنطق (چاپ پانزدهم). قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۷. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۶ ه. ش). الرسائل، (چاپ سوم). قم: انتشارات اسماعیلیان،
۱۸. -----، (۱۳۸۱ ه. ش). تهذیب الأصول تقریرات جعفر سبحانی (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۱۹. -----، (۱۳۷۳ ه. ش). مناهج الوصول إلى علم الأصول (چاپ اول). قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۲۰. نائینی، محمد حسین، (نرم افزار جامع اصول فقه ۳ نور) أجود التقريرات تقریرات سید ابوالقاسم خویی (چاپ اول). قم: کتابفروشی مصطفوی
۲۱. -----، (۱۳۷۶ ه. ش). فوائد الأصول تقریرات محمد علی کاظمی خراسانی (چاپ اول). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم موسسه نز اسلامی.
۲۲. یزدی، عبدالله بن شهاب الدین، (۱۳۹۰ ه. ش). الحاشیة علی تهذیب المنطق للفتازانی (چاپ: سوم). قم: انتشارات دارالتفسیر